



سجاد آیدنلو، متولد ۱۳۵۹ ارومیه دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه پیام نور ارومیه است. وی تاکنون چهار کتاب منتشر کرده و بیش از ۱۲۰ مقاله علمی در نشریات تخصصی کشور به چاپ رسانده است. وی که یکی از تقدیرشدگان جایزه جلال آل احمد نیز هست، به طور اختصاصی در عرصه شاهنامه پژوهی فعالیت‌های درخوری را انجام داده است. دو کتاب «نارسیده ترین» و «آز اسطوره تا حماسه: هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» از جمله ثمرات کار آیدنلو در عرصه شاهنامه پژوهی است. وی برای کتاب اخیر خود برنده جایزه جلال آل احمد شده است.

سجاد آیدنلو از «هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» می‌گوید

فرضیه‌های تازه در شاهنامه پژوهی

دوران قبل از اسلام شاهنامه، اطاعت از پادشاه بی چون و چراست و رستم به رغم این که کاووس از دادن نوشدارو به فرزند او دریغ می‌کند همواره سرسپرده اوست، امر درستی نیست چرا که این مسئله یک نگاه سیاسی و اجتماعی امروزی است. در سنت‌های ایران باستان، این گونه مسائل از تقدس و فرهنگداری برخوردار است و پهلوان در آن قالب و در صورت اطاعت از پادشاه، جهان پهلوان آن کشور محسوب می‌شود یا در تحلیل داستان رستم و سهراب و مقولات اژدها کشی از نظریات فروید استفاده می‌کنند که به نظرم تا حدودی افراطی است و باید تعبیر مرحوم علامه قزوینی را به کار برد که بعضی از مقولات در شاهنامه شناسی «لاپتسبک» است و نمونه دیگر، قائل شدن به عرفان به صورتی که در مولوی، سنایی و یا عطار داریم در شاهنامه یا ادعای عرفانی بودن و تاویل نمادین روایات شاهنامه است که بنده با تاکید عرض می‌کنم نادرست است. **چقدر روی این کتاب وقت صرف کرده‌اید و منابع شما چه بوده است؟**

عنوان فرعی این کتاب «هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» است که هفت مقاله پژوهشی مستقل در باب چند موضوع است از قبیل نشانه‌های سرشت اساطیری افراسیاب، فرضیه‌ای در مورد مادر سیاوش، جام کبخسرو و جمشید، اسب دریایی در داستان‌های پهلوانی، نوشدارو چیست؟ ارتباط اسطوره و حماسه بر پایه روایات ایرانی، ترنج بودا و به زرین است که از نظر اساطیری و آیینی بررسی شده است. از حدود سیصد منبع فارسی و انگلیسی برای تدوین این کتاب استفاده شده و فکر می‌کنم اهمیت این کتاب در مقدمه‌ای از دکتر محمد امین ریاحی، شاهنامه شناس برجسته است.

در شاهنامه پژوهی اولین پلان اغلب وجه اسطوره‌شناسی است. چه رویکرد تازه‌ای در کتاب شما توجه داوران این جایزه را به خود جلب کرده است؟

در این هفت مقاله سعی کرده‌ام که پیشنهاد یا فرضیه تازه‌ای را ارائه کنم که در زمان تحریر آن مقاله در آن حوزه داده نشده یا بسیار جزئی و پراکنده مطرح شده بود. برای مثال در مقاله اول انواع دگرگونی‌های روایات اساطیری در ساخت داستان‌های حماسی ایران طبقه‌بندی و با شواهد نشان داده شده که تا پیش از این مقاله، بعضی از موارد آن به طور پراکنده مطرح شده بود یا در مورد ماهیت نوشدارو فرضیه‌ای ارائه شده که نوشدارو همان «هوم» یا «هومه» اساطیری است که در اوستا آمده و یا فرضیه دریایی نژاد بودن اسب پهلوان یا فرضیه پری بودن مادر سیاوش که هویتی گنگ در شاهنامه دارد. فکر می‌کنم نظرات و فرضیاتی از این دست نظر داوران را به خود جلب کرده است.

تاثیر و نقش چنین جوایزی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این جوایز هم نشان‌دهنده توجه جامعه فرهنگی و علمی به آثار مختلف منتشر شده در حوزه‌های مختلف است و اگر این جایزه بدون توجه به نام نویسنده و به صرف خود اثر داده شود، در تشویق جوانان و نوقلمان برای پیشرفت در راهشان و استوار و علمی نوشتن بسیار موثر است. ان شاء الله جوایز و داورانی از این نوع یکسان بر فزون باد!



آفرین گسترید

در واقع باید شرایط زمان خلق اثر را در نقد و پژوهش علمی لحاظ کرد؟

بله. ما باید در نظر داشته باشیم که مثلاً اگر موضوع بحث شاهنامه باشد این اثر با معیارهای داستان‌سرای، روایی، فرهنگی و اجتماعی هزار سال قبل نوشته شده است. حال اگر ما بر اساس پیشرفت‌های اجتماعی، نظریه‌های سیاسی، روانشناختی یا داستان‌نویسی این کتاب را بررسی کنیم و موارد اشتراک یا اختلاف آن را نشان دهیم، خوب است اما اگر برای مثال ایراد بگیریم که در

تصحیح متن و دیگر حوزه‌ها، این مسئله به علت پژوهش‌های استادانی چون دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر بهمن سرکاراتی و ... است.

پست مدرنیته ما را به بازخوانی سنت‌های فرهنگی و استفاده و برداشت از آنها ارجاع می‌دهد. از طرفی در سنت فکری جلال هم می‌بینیم که رجوع به گذشته و بازخوانی آن به خصوص در آثار آخر او دیده می‌شود. در کنار هم قرار گرفتن این دو موضوع و برگزیدن کتاب شما که همین رویکرد را دارد چه پیامی می‌تواند داشته باشد؟

همان طور که شما هم اشاره فرمودید، روش درست علمی در تحقیقات، مطالعات و عملکردهای ادبی با اعتدال است یعنی در استفاده از گذشته، سنت‌ها میراث کهن ادب فارسی و رویکردهای نوین افراط و تفریط صورت نگیرد و تلفیق اعتدال آمیزی از هر دو داشته باشیم، حال در رویکرد شادروان جلال آل احمد یا بسیاری از محققان قبل و بعد از ایشان باید درس و پیغام بازخوانی اعتدال آمیز سنت‌ها بدون افراط و تفریط و با توجه به شرایط زمان را به کار بندیم. برای مثال نباید از افراط نوگرایی کارهای گذشتگان را با عینک امروزی زیر انتقاد ببریم که چرا یکی از داستان‌های شاهنامه بر اساس فلان نظریه معاصر داستان‌نویسی منطبق نیست. بعضاً دیده می‌شود که در رویکردهای جدید این نوع آثار را زیر سوال می‌برند. هم این مسائل و هم نغی گذشته در کل افراط و تفریط است. در این نوع تحقیقات و مطالعات و به طور کلی رویکردهای گذشته و معاصر باید این پیام فردوسی را به کار بندیم که: ستوده کسی کو میانه‌گزیدتن خویش را

تصور می‌کردید کتاب شما برنده جایزه «جلال آل احمد» شود؟ احساس می‌کنید جنس کاری که سبب برنده شدن این کتاب شد چه بوده است؟

در باب قسمت اول سوال، خیر. تصور نمی‌کردم کتابم برنده این جایزه شود، به دو دلیل؛ یکی این که کتاب را بنده به دبیرخانه جشنواره ارسال نکرده بودم و دیگر این که این کتاب برخلاف سه هزار و پانصد کتاب مورد بررسی در این جشنواره، در مرکز به چاپ نرسیده بود بلکه انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد آن را چاپ کرده است و مستحضر هستید که توزیع کتاب‌های شهرستان در تهران و دیگر شهرها ضعیف است. اما با این وجود با لطف خداوند و دقت نظر دوستان در هیئت داور، این کار مورد بررسی قرار گرفته بود. از این نظر من تصور نمی‌کردم که این کتاب حتی در جشنواره دیده شود چه رسد به این که حتی به مراحل پایانی داور، هم راه پیدا کند. اما در مورد سوال دوم، محتوای این کتاب هفت گفتار در حوزه شاهنامه پژوهی با محوریت تحلیل مبانی اساطیری شاهنامه است که اگر بخواهید مشخصاً در حوزه نقد ادبی چارچوب‌بندی کنید در زیر مجموعه نقد اساطیر قابل بحث و گنجایش است و این هم جای شکر و شادی و تا حدودی شگفتی است چرا که در قالب جشنواره‌های امروزی بیشتر به مباحث نقدهای جدید یا کتاب‌ها و مقالات نوشته شده در این حوزه پرداخته می‌شود و نقد اساطیری شاید به دلیل سنتی بودن در میان انواع نقد ادبی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد که این کتاب خوشبختانه مورد توجه واقع شده بود.

معمولاً شما با رویکردی علمی به مسائل اساطیری نگاه می‌کنید. این رویکرد چه تاثیری در کار شما داشته و با توجه به نقدهایی که در مورد کم‌کاری در حوزه شاهنامه پژوهی دیده می‌شود، شما به عنوان کسی که در این حوزه کار کرده‌اید، این عرصه را چطور می‌بینید؟

بنده با استفاده از تعبیر استاد خرمشاهی در باب حافظ شناسی با اندکی تغییر به مناسبت بحث در باب حوزه شاهنامه شناسی عرض می‌کنم برخلاف برخی ادعاها کارنامه شاهنامه شناسی ما از آغاز تاکنون هم پربرگ بوده و هم برابر. برخی ادعاها از قبیل همین کم‌کاری در حوزه شاهنامه پژوهی و یا مسائلی از قبیل دو قسمتی بودن شاهنامه یا این که شاهنامه دارای دو سراینده بوده و یا متعلق به دوره سامانیان است، این بحث‌ها را در چند مقاله خلاف آمد عادت در شاهنامه پژوهی عنوان گذاری می‌کنم. همان طور که عرض کردم شاهنامه شناسی در ایران را بسیار پربرگ و بار می‌دانم و مایه خوشبختی موكد آن است که در چهل سال اخیر زمامداری و مرجعیت پژوهش‌های شاهنامه بر خلاف ادوار آغازین این دانش در اختیار شاهنامه‌شناسان ایرانی است. اگر تصور بفرمایید حدود هشتاد سال قبل امثال کریستین سن، نولدکه، ژول مول و ... صاحب نظران و محققان تراز اول شاهنامه شناسی بودند و ما چشم به راه انتشار کتاب و مقالات محققان غیر ایرانی بودیم، اکنون جهانیان منتظر نظریه پردازی و ارائه فرضیات محققان ایرانی هستند، هم در مسائل اساطیری شاهنامه و هم در حوزه

حرکت به سوی پژوهش‌های حرفه‌ای

یوسف داوودی: عرصه پژوهش در سطح دنیا هیچ‌گاه فارغ از حمایت‌های نهادهای فرهنگی توان ادامه حیات نداشته است. جایزه‌های ادبی یکی از این حمایت‌هاست که علاوه بر حمایت معنوی از پژوهشگر اگر از نظر ارزش مالی نیز قابل اعتنا باشد، وی را یاری می‌کند تا در کار خود راسخ تر باشد. از این منظر، جایزه جلال آل احمد می‌تواند در کنار همه ارزش‌های فرهنگی خود، راهی نو در عرصه جایزه‌های فرهنگی در سطح کشور به حساب آید. اولین نکته در مورد جایزه جلال و نقشی که می‌تواند در عرصه پژوهشی کشور داشته باشد در اهمیتی است که این جایزه برای اهالی پژوهش قائل شده است. پیش از این در کمتر جایزه‌ای از پژوهشگران به طور عام تقدیر شده بود. البته از نقش جوایزی همچون پروین اعتصامی یا بانوی فرهنگ نمی‌توان به سادگی گذشت. در کنار این نکته، از اهمیت مالی نیز باید یاد کرد که سال‌هاست مورد توجه اهل قلم بوده و سبب گلايه‌هایی نیز شده است. جایزه جلال آل احمد از همان روزهایی که برنامه‌های مدون خود را برای آغاز حیات در عرصه فرهنگی کشور اعلام کرد، بر این مهم تاکید کرد که در کنار اعتبار معنوی و فرهنگی این جایزه، به ارزش مالی آن نیز توجه دارد. اختصاص ۱۱۰ سکه به برگزیده هر کدام از پنج رشته‌ای که در این جایزه داور می‌شوند، نشان دهنده این توجه ویژه است. اهدای این جایزه به یک پژوهشگر می‌تواند از چند جهت دارای اهمیت باشد؛ اول آنکه با توجه به تامین مالی او حتی به مدتی کوتاه، کمک می‌کند که وی بتواند فارغ از معاش روزانه به کار اصلی و مهم خود در عرصه پژوهش بپردازد و علاوه بر آن، بدون تعهدات متداول به شغل‌های روزمره می‌تواند پژوهش را به عنوان راه اصلی خود برگزیند. از همین رو می‌توان جایزه جلال آل احمد را راهی برای حرفه‌ای شدن امور پژوهشی و بدل شدن آن به عنوان یک شغل تلقی کرد. تا دوام چنین حرکت‌هایی قطعاً می‌تواند راه‌های تازه‌ای را برای پژوهشگران کشور فراهم کند. جدا از ارزش‌های مالی، جایزه جلال آل احمد دارای ابعاد وسیع‌تری است که برندگان این جایزه از آن بسیار بیشتر از ارزش مالی آن بهره‌مند می‌شوند. نویسندگان و پژوهشگران همواره در سابقه کاری خود، علاوه بر ذکر آثار و درجات علمی خود، همواره از جوایزی که دریافت کرده‌اند نام می‌برند. از این رو، کسی که برنده جایزه جلال آل احمد باشد این اعتبار را در کنار اثر برگزیده خود خواهد داشت که علاوه بر یک جایزه فرهنگی، نام جلال در نیز در کنار اثر برگزیده خود خواهد داشت؛ نویسنده و پژوهشگری که یکی از تاثیرگذارترین اهالی فرهنگ در تاریخ معاصر ایران است. دریافت جایزه‌ای به نام جلال که نویسنده‌ای اندیشمند و پژوهشگری ریزبین در فرهنگ ایران به حساب می‌آید، هر نویسنده‌ای را وارد فضای کاری تازه خواهد کرد و کسی نیست که این مهم را در سابقه کاری اش بتواند نادیده بگیرد.